



آقای مدیر کل ، نیت شما چیز دیگری است



صادق کار:

انتخاب نماینده کارگر هستند.

در مورد نقایص فصل ششم قانون کار بخشاً حق با مدیرکل است. واقعیت این است که این بخش از قانون کار حق داشتن تشکل مستقل را آگاهانه نقض نموده است. به همین خاطر این بخش از قانون کار جزو بخش‌هایی است که از ابتدا تا کنون با مخالفت جدی کارگران روبرو بوده و کارگران زیر بار آن نرفته‌اند و نخواهند رفت.

تشکیل همین تعداد سندیکا و منجمله همین سندیکای شرکت واحد و داستانی که تاکنون این سندیکاها از سر گذرانده‌اند، خود بهترین گواه نپذیرفته شدن اصل ششم توسط کارگران است.

در سال ۱۳۸۳ هیأت اعزامی سازمان بین‌المللی کار که جهت بررسی نقض حقوق سندیکایی کارگران به ایران آمده بود، اصل ششم را ناقض حق تشکل مستقل و مانع قانونی

بنا بر خبری که اخیراً در خبرگزاری کار ایران «ایلنا» نشر یافته، مسئولان ارشد وزرات رفاه با درخواست کتبی جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برای اختصاص محلی جهت برگزاری مجمع عمومی سندیکا برای انتخاب هیأت مدیره‌ی جدید سندیکای واحد، مخالفت و فعالیت سندیکاها را به‌طور کلی غیر مجاز اعلام نموده.

بنا بر همین گزارش، دلیلی که واحد دلاورنظری، مدیر کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای رد درخواست کارگران عضو سندیکای شرکت واحد و غیر مجاز بودن فعالیت سندیکاها آورده، نیامدن نام سندیکا در فصل ششم قانون کار است.

مدیر کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت کار، با استناد به فصل ششم قانون کار گفته‌اند: "مطابق مقررات فصل ششم قانون کار، کارگران تنها مجاز به تشکیل یکی از سه تشکل شورای اسلامی کار، انجمن صنفی کارگری یا



بر سر راه تشکیل سندیکاهاى واقعی اعلام کرد و طبق توافق این هیأت با آقای صفدر حسینی وزیر وقت کار، قرار بود این فصل توسط دولت و مجلس اصلاح شود، ولی وزیر کار دولت احمدی نژاد زیرتوافق به عمل آمده زد.

زمانی که قانون کار، بدون حضور کارگران توسط افراد وابسته به حکومت در حال تنظیم و نگارش بود، فعالین سندیکایی که می‌دانستند در پس پرده، از سوی تنظیم کنندگان پیش‌نویس قانون کار توطئه‌ای برای پایمال‌سازی حقوق سندیکایی‌شان در جریان است، با این که در خارج گود نگاه داشته می‌شدند، به نیاوردن نام سندیکا در فصل ششم به هر وسیله‌ای که داشتند اعتراض داشتند.

تنظیم کنندگان این قانون، علت نیاوردن نام سندیکا در قانون کار را «خارجی و طاغوتی بودن» این نام اعلام می‌کردند و به کارگران می‌گفتند، تنها نام سندیکا را به انجمن تغییر داده‌اند، ولی محتوی یکی است! اما در عمل معلوم شد که قصد و غرض چیز دیگری بوده و این جماعت با محتوی سر ناسازگاری داشته‌اند و نه با اسم.

عجب آن که مسئولین وزارت کار و سایر مسئولین دولتی در جایی که پای اجرای مواد رفاهی قانون کار به میان می‌آید و قانون حتی ذره‌ای به سود کارگر است، نه به آن استناد می‌کنند و نه زیر بار اجرای آن می‌روند اما هرگاه قانون مثل همین اصل ششم ناقض حق و حقوق بنیادین کارگر است، با وجود این که حتی همین فصل را نیز تاکنون همواره هرجا که اوضاع به کام‌شان پیش نرفته نقض کرده‌اند، برای توجیه آن، به ناگهان طرفدار قانون می‌شوند!

پرسیدنی است که اگر این قانون خوب است، چرا گزینشی آن را به کار می‌برید؟ و اگر بد است و سال‌هاست که دارید، گوش و دمنش را قیچی می‌کنید، پس چگونه است که زیر بار توافق وزیر پیشین با نماینده‌ی سازمان بین‌المللی کار برای اصلاح آن نمی‌روید؟

مدیر کل سازمان‌های کارگری علت نپذیرفتن سندیکاها را در قانون کار، نبودن نام سندیکا ذکر می‌کند، اما در حالی که نام انجمن در همین قانون آمده، با انجمن روزنامه‌نگاران نیز همین رفتار را می‌کند، بهانه در آن‌جا چیست؟

اگر مسئله قانون است، پس چرا این همه اعضا و رهبران انجمن‌های صنفی کارگری را که فعالیت‌شان قانونی است، اخراج و زندانی می‌کنید و انجمن‌ها را به خاطر فعالیت‌های صنفی منحل می‌کنید؟ چرا کانون‌های صنفی معلمان را سرکوب می‌کنید؟

شما حتی اجازه نمی‌دهید که یک شورای اسلامی خارج از کنترل شما شکل بگیرد و هرگاه شورایی سعی می‌کند خودش را از قید وابستگی به وزارت کار و شبکه‌ی امنیتی‌ای که آقای ربیعی برای سرکوب در هر کارخانه و اداره‌ای تشکیل داده، برهاند، اعضای آن را اخراج و زندانی می‌کنید؟ شما چرا وقتی حقوق کارگر را چند ماه نمی‌دهند، چرا زمانی که کارفرما پول بیمه‌ی کارگر را که از حقوق ناچیز ماهیانه‌اش کسر کرده بالا می‌کشد، چرا هنگام تعیین حداقل دستمزد، چرا وقت راهپیمایی روز کارگر، چرا وقتی این همه کارگر در اثر عدم رعایت قانون کار کشته و مجروح و بیمار می‌شوند، چرا وقتی کارگر حق‌طلبی کلیه‌هایش را در زندان از دست می‌دهد، چرا وقتی که کارگر حتی به خاطر پخش شیرینی در روز کارگر به زندان برده می‌شود، به فکر اجرای قانون نیستید؟ مگر همه‌ی این‌ها در قانون کار نیست؟

وزیر شما برنامه داده و قول داده که مقاوله‌نامه‌های سازمان بین‌المللی کار را به اجرا درآورد، شما با جلوگیری و غیر مجاز خواندن فعالیت سندیکاها، چگونه می‌خواهید به قول وزیرتان جامه‌ی عمل بپوشانید؟

نه جناب مدیرکل؛ مسئله‌ی شما و همکاران‌تان هیچ‌وقت قانون نبوده و نیست. شماها تنها آن قوانینی را اجرا می‌کنید که صددرصد به سود خودتان باشد. چطور ممکن است با استناد به یک قانون، سندیکاهاى کارگری را غیرمجاز و صدها سندیکا و اتحادیه‌ی کارفرمایی را مجاز دانست؟

قبل از این که چنین ناشیانه حرف بزنید و آبروی خودتان را بیش از این ببرید، بروید همان اصل ششم را یک بار دیگر بخوانید. خوب و بد آن اصل هرچه هست، شامل حال کارفرماها هم باید بشود.

با این اوصاف اما کارگران محال است که زیر بار این حق‌کشی‌ها و ظلم‌های شما بروند. مبارزه برای تشکیل سندیکاها، خارج از میل و اراده‌ی شما ادامه خواهد یافت. شما بر خود نبالید که همه چیز کارگر را از او گرفته‌اید.

این همه چیز گرفتن‌ها تاوان دارد و تاوانش می‌تواند این باشد که کارگر نیز نهایتاً چاره‌ای جز عمل متقابل پیش رویش نبیند.

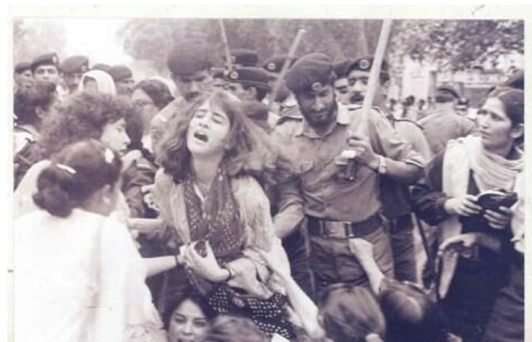


از تجربه دیگران

تشکل‌های کارگری در پاکستان

بدون هیچ نقشی در روند سیاسی

(بخش نهم)



مقابله‌ی پلیس پاکستان تحت رژیم ضیاء الحق، با یک حرکت اعتراضی زنان

کریستوفر کاندلند - ترجمه: گودرز

ارتش و تشکل‌های کارگری

آیا حکومت‌های نظامی‌علیه تشکل‌های کارگری‌اند؟ به هر حال پرسنل نیروهای نظامی اکثراً از میان فرزندان طبقه‌ی کار و زحمت‌کشان استخدام می‌شوند، و به نوعی در میان خود هم‌بستگی و اتحادی دارند که شبیه هم‌بستگی در تشکل‌های کارگری است.

اما در جوامعی که از تضاد طبقاتی بالا رنج می‌برند، نیروهای نظامی هم‌بستگی قدرت‌مند کارگران را خطری برای اجرای احکام و تابعیت از سلسله مراتب سازمانی می‌بینند. در نتیجه نظامیان مایل‌اند سیستم موجود را حفظ کنند، حتی اگر در محیطی با اختلاف طبقاتی شدید روبرو و شاهد عدم مشارکت غیرنظامیان در روند تصمیم‌گیری‌ها باشند؛ مگر آن که ترتیب مشخصی داده شود تا آنان مأمور ایجاد نظم نوینی گردند.

همان‌طور که نیکولو ماکیاویلی گفته است: "نظامیان باور دارند که هیچ اقدامی سخت‌تر، موفقیت‌اش نامطمئن‌تر و رفع و رجوع آن خطرناک‌تر از آن نیست که بخواهید نظم جدیدی را اعمال کنید. از آن رو که اصلاح‌طلب دشمنانی سخت‌کوش در میان همه‌ی آنان که از سیستم قدیمی نفع می‌برند دارد و مدافعان بی‌تفاوتی در میان همه‌ی آنان که از نظم جدید نفع خواهند برد."

کارگران پاکستان همواره طرفدار «نظم نوین امور» بوده‌اند، نظمی که دولتی منتخب داشته باشد و

سیاست‌هایی برای عدالت بیشتر اجتماعی. کارگران اما در حمایت از حقوق‌شان جدی بوده‌اند: تظاهرات و قربانیانی که در سال‌های ۶۹-۱۹۶۸ در گرفتن تعهد از حکومت نظامی برای بازگشت یک دولت انتخابی و غیر نظامی داده‌اند، نمونه‌ی بارزی است. کارگران سپس به انتخاب رییس جمهوری یاری رساندند که قول پایان بی‌عدالتی اجتماعی و نابرابری‌ها را داده بود.

نظامیان و حکومت‌های نظامی لزوماً مخالف تشکل‌های کارگری نیستند. اما نظامیان و حکومت‌های نظامی که با ایالات متحده هم‌پیمان بوده‌اند در مخالفت با جنبش‌های کارگری و تشکل‌های‌شان متفق‌القول بوده‌اند.

حکومت‌های نظامی در پاکستان اما در این مورد با وجود آن که همه مخالف تشکل‌های کارگران‌اند، در عمل همگون نبوده‌اند: فیلد مارشال ایوب خان یک مدرن‌گرای سکولار بود که سیاست‌های انتخاباتی را کنترل می‌کرد، اما به تشکیل یک جامعه‌ی مدنی قوی اجازه داد.

ضیاءالحق یک اسلام‌گرای تندرو بود که فضا را برای پیشرفت سازمان‌های جامعه‌ی مدنی مسموم کرد. این حکومت‌های نظامی اما در دو نکته مشترک بودند: اتحاد با آمریکا و سرکوب تشکل‌های کارگری. البته بررسی گسترده‌تر این سؤال که چرا دولت‌های نظامی با طبقه‌ی زحمت‌کش و جنبش‌های کارگری مخالف‌اند، نیاز به تحقیق در بیش از یک کشور و شمول مناطق متنوع دارد.

متأسفانه امکان ندارد که این‌جا به این سؤال در ادبیات موجود از تحقیقات علمی بپردازیم. اما الین‌کی تیمبرگر می‌تواند ما را بالفور کمک کند.

در چهار مورد از «انقلاب از بالا» (کودتاهای بوروکراتیک حامی طبقه‌ی کار) او به تحقیق درباره‌ی میجی در ژاپن ۱۸۶۸، آتاتورک ترکیه ۱۹۱۹، عبدالناصر مصر ۱۹۵۲، و لاسکو پرو ۱۹۶۸ که نظامیان قدرت را در امتداد مداخله‌ی اروپاییان و یا آمریکا به دست گرفتند، می‌پردازد.

تحقیقات آکادمیک بر روی نظامیان در پاکستان اطلاعات پرازشی را عرضه می‌کند؛ از جمله نگاه به آموزش نظامیان به وسیله‌ی ایالات متحده و نقش و نفوذ تکنوکرات‌های ارتشی.

این تحقیقات مجدداً توجه ما را به تضاد بین اطاعت از فرماندهان و هم‌بستگی طبقاتی جلب می‌نماید. هم‌بستگی و اتحاد کارگران ممکن است اجازه‌ی مخالفت با امر و سرپیچی را بدهد، ولی سلسله مراتب فرماندهی نه!



به وجود آمدن پاکستان به تنهایی مانعی برای هویت طبقات کار و تشکیلات آنها نبود. طبقات حاکمه و ارتش این موانع را بر سر راه تشکلهای کارگری ساخته‌اند.

ارتش تبیین منافع کارگران را در سطوح محلی منحرف کرده است، به طوری که برای این‌که تنها ارتقاء این منافع را به سطح ملی در موارد بسیار جزئی (مانند انتقال از محیط کار به مجمع ملی) ممکن سازد، قوانین سرکوبگرانه‌ی ناظر بر محیط کارگری را تنظیم و تصویب کرده است، ریشه‌ی سازمان‌های دموکراتیک اجتماعی را زده است و در امور احزاب سیاسی مداخله کرده است، فعالیت برخی احزاب و کاندیداها را ممنوع کرده است، برخی‌ها را کشته است، در انتخابات دست برده، دهقانان را از داشتن تشکل صنفی محروم کرده و برخی از فعالین حقوق بشر و حقوق زنان را به قتل رسانده است.

مقایسه‌ی شدت و تاثیر این موانع بر اتحادیه‌های کارگری با هند، بسیار روشن است. در حالی که ارتش هندوستان هیچ‌گاه در امور سیاسی کشور نقش رهبری بازی نکرده است، در پاکستان نظامیان همواره در مسائل اساسی حکومتی مداخله کرده و بیشتر مواقع حرف آخر را زده‌اند، حتی در مواقع معدودی که دولت‌های غیر نظامی بر سر کار بوده‌اند.

دوران حکومت غیرنظامی در پاکستان لزوماً با خشونت کمتر نسبت به کارگران همراه نبوده است، چرا که سیستم بوروکراتیک دولتی با تغییر حاکمان، تغییر ماهوی نمی‌کند (به طور مثال شیوه‌ی انتخاب مسئولان و رؤسای مهم دولتی همچنان ثابت می‌ماند).

این که بوتو از طریق انتخابات به قدرت رسید نه با کودتا یا بر اساس سابقه‌ی فرماندهی، مؤسسات مجری اوامر دولت را اما از نظر دیدگاه و یا رفتار تغییر نداد. چنانچه اختلافات و مبارزات در محیط‌های صنعتی نشان می‌دهد، تغییر محسوسی در فاصله‌ی تغییرات حاکمیت در خشونت‌های محیط کارگری اتفاق نیافتاد.

ناآرامی‌های شدید در محیط‌های صنعتی بر پهنه‌ی سه حکومت کاملاً متفاوت، دو نظامی و یک غیر نظامی، یک‌سان ادامه یافتند. این ناآرامی‌ها در محیط‌های صنعتی حتی در سال ۱۹۹۸ هم که تغییرات مورد نظر بانک جهانی در دوران دولت موقت نظامی و یا دولت انتخابی غیر نظامی اعمال می‌شد، همچنان دیده شدند.

اگر ارتباط نسبی در سطح خشونت‌های محیط کارگری با نوع دولت منظور نظر باشد، باید به دوران ضیاءالحق و ذوالفقار علی بوتو نگاه کرد.

هر دو رژیم توانستند عضویت در اتحادیه‌ها را محدود کنند و درگیری و اختلاف در محیط کار را ممنوع کنند. دوران سکون صنعتی که به دنبال اجرای برنامه‌ی صندوق بین‌المللی پول پیش آمد، نشان داد که سازمان‌های دولتی اکنون قادرند که کارگران را به مثابه‌ی پایه‌ای منفعل برای طبقه‌ی حاکمه کنترل کنند.

واضح است که طبقات حاکمه در پاکستان بیشتر از طبقات حاکم در هند و بنگلادش ضد کارگر و حریص‌تر نیستند، فقط تفاوت آن است که دولت پاکستان بیشتر مایل است که قدرت کارگران را محدود کند.

اخبار خارجی:

افغانستان

۶۰ درصد کارگران بیکارند

متوسط دستمزد ماهانه‌ی یک کارگر مبلغ ناچیز پنج هزار افغانی، برابر با ۸۲ دلار، است. این مبلغ بارها پایین‌تر از سطح معاش است

راوا، ۱ ژوئن ۲۰۱۵

۶۰ درصد کارگران افغان بیکارند. آنها هم که کار می‌کنند، تضمینی برای ساعات کار منظم در محیطی امن را ندارند.

معروف قادری، رئیس اتحادیه‌ی کارگری افغانستان می‌گوید:



آنها برسد. طرف‌های بالقوه عبارتند از عربستان سعودی و امارات متحده عربی. این نمونه‌ای از راه‌حل کوتاه مدت، در برابر مسئله‌ی غول آسای بیکاری است.

یک راه‌حل بلندمدت می‌تواند تقویت اقتصاد و افزایش ظرفیت آن باشد. اتحادیه‌ی کارگری سراسری افغانستان در سال ۱۹۶۴ تأسیس شده است. هدف از تأسیس این اتحادیه ایجاد ظرفیت اتحادیه‌ای در میان کارگران افغان، کارمندان دولت در ارتباط با قوانین و حقوق و برخورد به مسئله‌ی نگران کننده‌ی کار کودک بوده است. قادری می‌گوید: "ایمنی ابداً مورد توجه نیست. سال گذشته ۱۱۴ معدنچی جان‌شان را از دست دادند."

تبعیض علیه زنان کارگر

در جامعه‌ی مردسالار افغانستان زنان به شدت تحت تبعیض‌اند. حبیبه فخری، رییس بخش زنان در اتحادیه‌ی کارگری سراسری، توضیح می‌دهد که در بخش خصوصی توجه بسیار کمی به کار زنان صورت می‌گیرد و استثمار زنان در این بخش حادث است. در این بخش زنان از حق مرخصی زایمان محروم‌اند.

فخری می‌گوید: "کارمندان زن در ادارات دولتی نیز با خشونت‌های جنسی مواجه‌اند. بسیاری از زنان از مهارت‌هایی بیش از آنچه برای شغل‌شان لازم است، برخوردارند. اما آنها با احتجاجاتی همچون «وظایف خانوادگی و همسری»، از گرفتن پست‌های عالی‌تر محروم می‌شوند."

او می‌افزاید: "اتحادیه برای ارتقاء آگاهی زنان کارگر نسبت به حقوق قانونی‌شان تلاش می‌کند. مثلاً می‌کوشد قانونی را به آنان بشناساند که به مادران شیرده حق می‌دهد هر سه ساعت یک بار، نیم ساعت استراحت داشته باشند تا بتوانند کودک‌شان را شیر بدهند؛ یا قانون دیگری که سپردن کارهای سنگین به زنان باردار را منع کرده است. اما زنان تمایلی به گرفتن مرخصی زایمان نشان نمی‌دهند، زیرا می‌ترسند کارشان را از دست بدهند."

حسین علی معین، رییس دپارتمان هماهنگی توسعه‌ی اقتصادی در وزارت زنان، می‌گوید: "این وزارت می‌کوشد در هماهنگی با وزارتخانه‌های کار، کشاورزی و تجارت، تعداد زنان بیشتری را استخدام کند. سالانه حدود هزار زن از مدارس حرفه‌ای فارغ‌التحصیل می‌شوند و به بازار کار می‌پیوندند."

او می‌افزاید: "صندوق توسعه‌ی سازمان ملل برنامه‌ای را برای حمایت از زنان صاحب شرکت اعلام کرده است. طرح بعدی ما برقراری نمایشگاه‌هایی است که زنان می‌توانند تولیدات و توانایی‌هایشان را معرفی کنند."



کابل: کارگران بیکار افغان در انتظار مشتری

"برابر آمار سازمان بین‌المللی کار و اداره‌ی مرکزی آمار افغانستان، ۱۲ میلیون نفر در افغانستان به عنوان نیروی کار تشخیص داده شده‌اند. قانون کار وجود دارد، اما بیشتر کارگران به حقوق‌شان آگاه نیستند. متوسط دستمزد مبلغ ناچیز پنج هزار افغانی (۸۳ دلار) است که به مراتب پایین‌تر از سطح معیشت است."

وزیر کار و امور اجتماعی آمار جدیدی را در اختیار دارد که نشان می‌دهد که هفت میلیون نفر در جست‌وجوی یک کار تمام وقت‌اند. از این عده ۲/۵ میلیون نفر تماماً بیکارند. ناآرامی سیاسی اقتصاد را فلج کرده است. امیدها به بهبود وضع که به استقرار رییس جمهور جدید بسته شده بودند، اینک در اثر اختلافات بین رهبران دولت وحدت ملی نقش بر آب شده‌اند. علی افتخاری، سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی، می‌گوید: "البته در سال گذشته ۵۰۰ جواز کار برای زنان صادر شده است."

مریم یوسفی یک کارگاه هنرهای دستی را اداره می‌کند. این کارگاه در سال ۲۰۰۵ بدون هر نوع کمک دولتی یا غیر دولتی راه‌اندازی شد. بیش از ۴۰۰ کارگر زن فقط در واحد تک‌دوزی این کارگاه به کار گرفته شده بودند، اما رکود اقتصادی که در سال گذشته آغاز شد، ضربه‌ی سنگینی به کسب و کار او وارد آورد. یوسفی با حسرت می‌گوید: "سرانجام بزرگ‌ترین پروژه‌ی تک‌دوزی ما، با ۴۰۰ کارگری که در آن کار می‌کردند، تعطیل شد. آن کارگران هم نتوانسته‌اند کار دیگری پیدا کنند."

یوسفی می‌گوید که از بسیاری از سازمان‌های غیر دولتی کمک خواسته است، اما هیچ به بار نیامده است. افتخاری مدعی است که وزارت کار افغانستان طرح‌های کوتاه مدت و بلندمدتی برای حمایت از کار دارد: "دولت با کشورهای که به کارگر مهاجر احتیاج دارند تماس گرفته تا به توافقی با



بنگلادش

تشکیل پروندهی اتهام قتل در ارتباط با فروپاشی رعنا پلازا

دادستان کل بنگلادش ۴۲ تن را در ارتباط با فاجعهی «رعنا پلازا»، که به مرگ بیش از ۱۱۰۰ کارگر انجامید، به قتل متهم کرده است

الجزیره، ۱ ژوئن ۲۰۱۵



دو سال پس از فاجعهی رعنا پلازا، هنوز بسیاری از کارگران بیکارند و حقوق معوقه‌شان پرداخت نشده

حدود چهار میلیون کارگر در بنگلادش در صنایع نساجی کار می‌کنند. بعضی از آنها درآمدی معادل ۲۸ دلار در ماه دارند. این صنعت منبع صادراتی برابر ۲۰ میلیارد دلار در سال برای بنگلادش است. بخش عمدهی این صادرات به آمریکا و اروپا صورت می‌گیرد.

کریشنا کار، که پرونده‌ها را به دادگاهی در داکا فرستاده است، می‌گوید: "در تاریخ ۲۸ از متهمان بازپرسی خواهد شد و بر این اساس نسبت به پیشرفت کار تصمیم گرفته خواهد شد."

علاوه بر دو پروندهی نامبرده، [برخی از] متهمان با اتهام نقض مقررات ایمنی در ساختمان رعنا پلازا نیز مواجه‌اند، زیرا پس‌پس اقدام به ساختن طبقات اضافی، بر ساختمان پنج طبقه‌ی اولیه کرده بوده‌اند؛ طبقات پیش ساخته‌ای که به عنوان مراکز خرید و اداره منظور شده بودند، اما از راهی غیر قانونی به محل کارخانه و بر بالای آن منتقل شدند.

سهیل رعنا به دنبال یک جست‌وجوی چهار روزه پس از سانحه، در حالی که قصد عبور از مرز و فرار به هند را داشت، دستگیر شد.

* * * * *

جهان

قیمت واقعی مد به هزینهی کارگران

اینداستری آل، ۲ ژوئن ۲۰۱۵



برای جبران عادلانه‌ی خسارت، ارتقاء ایمنی، دستمزد

آخرین مستندواری مربوط به نمایشگاه جهانی صنعت مد، زیر نام «قیمت واقعی»، که در روز ۲۹ می نمایش داده شد، بار دیگر شرایطی را که کارگران سازندهی لباس‌های ما با آن مواجه‌اند، زیر نورافکن گرفته است.

جیرکی راینا، دبیرکل اتحادیهی جهانی اینداستری آل، در

روز دوشنبه ۱ ژوئن، پلیس بنگلادش خاتمه‌ی کار تشکیل پرونده علیه ده‌ها نفر را که در ارتباط با سانحهی رعنا پلازا متهم به قتل اند، رسماً اعلام کرد. رعنا پلازا یک کارخانهی نساجی بود که ساختمان آن در سال ۲۰۱۳ فرو ریخت و منجر به مرگ بیش از ۱۱۳۰ کارگر شد.

فروپاشی رعنا پلازا، که بر زمین‌های باتلاقی خارج از داکا، پایتخت بنگلادش، ساخته شده بود، از زمره‌ی فاجعه‌آمیزترین حوادث صنعتی در جهان به شمار می‌رود. سانحهی رعنا پلازا به مطالبه‌ی گسترده‌ای برای ایمنی در صنایع نساجی، در این دومین کشور صادرکننده محصولات نساجی شده است.

در ارتباط با این سانحه مجموعاً ۴۲ نفر متهم شده‌اند. این اقدامی نادر در کشوری است که منتقدان از قدرت فوق‌العاده‌ی صاحبان صنایع نساجی شاکی‌اند و اعلام می‌کنند که اینان غالباً بابت حوادث کاری در کارخانه‌هایشان از مجازات مصون می‌مانند.

سربازرس تحقیق این پرونده، بیجی کریشنا کار، توضیح می‌دهد: "در ارتباط با فروپاشی ساختمان کارخانه، ما در دو پرونده‌ی جداگانه علیه ۴۲ نفر، از جمله علیه صاحب کارخانه - سهیل رعنا - اقامه‌ی دعوی کرده ایم." او می‌افزاید: "یکی از اتهامات، اتهام قتل است و دیگری نقض مقررات ساختمان‌سازی."

گزارش پلیس مرگ کارگران را «کشتار جمعی» نامیده است. در این حادثه همچنین ۲۵۰۰ نفر زخمی و معلول به جای ماندند.

اگر اتهام قتل محرز شود، متهمان ممکن است به مرگ محکوم شوند.



کارگران ایران:

کارگران معترض به شهرداری بروجرد اخراج شدند



کارگران شهرداری بروجرد در سومین اقدام اعتراضی خود به همراه خانواده دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند.

حدود یکصد تن از کارگران شهرداری بروجرد برای سومین بار در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و دستمزد، به همراه خانواده دست به تجمع مقابل فرمانداری زدند.

شهرداری به جای رفع مشکلات کارگران، حکم اخراج تعدادی از کارگرانی که از شورای اسلامی شهر بروجرد خواستار احقاق حق خود شدند را صادر کرده است.

به گزارش ۱۲ خرداد ایرنا، این کارگران به همراه خانواده هایشان خواستار پیگیری مسوولان برای حل مشکلات و پرداخت چهار ماه حقوق معوقه خود شدند.

یکی از این کارگران با بیان اینکه این سومین بار در سال ۹۴ است که ما از شهرداری خواستار دریافت حقوق معوقه خود هستیم، گفت: متأسفانه شهرداری به جای رفع مشکلات کارگران، حکم اخراج تعدادی از کارگرانی که از شورای اسلامی شهر بروجرد خواستار احقاق حق خود شدند را صادر کرده است.

این فرد که نخواست نامش فاش شود، دلیل خواسته خود از فرمانداری بروجرد را عدم پرداخت حقوق دانست و افزود: با وضعیت موجود قادر به پرداخت اجاره خانه، تأمین هزینه های زندگی و پرداخت اقساط بانکی نیستیم.

این باره می‌گوید: "این فیلم پراهمیتی است که نشان می‌دهد «مد سریع» به کدام هزینه سنگینی برای چه کسانی تمام می‌شود."

او می‌افزاید: "رفتار هولناک با کارگران نساجی، در زنجیره‌های جهانی تولید باید تغییر کند. سودهای کلان شرکت‌ها و برندهای مد باید به دستمزد بسیار بالاتر کارگران بیانجامد تا آنان بتوانند به زندگی‌شان ادامه دهند."

چنان‌که فیلم مذکور نشان می‌دهد، دست‌کم یک تغییر سیستماتیک ضرورت یافته است. برندهای پوشاک یک مدل [درآمد] غیر قابل دوام را ایجاد کرده‌اند که آن‌ها را قادر می‌سازد سودشان را به هزینه کارگران به نهایت برسانند. آن‌ها این مدل را ایجاد کرده‌اند، آن‌ها باید آن را تغییر دهند و این قدرت را دارند که آن را تغییر دهند.

اتحادیه جهانی اینداستری آل پا را از تشریح عدم توازن فاجعه‌آمیز میان دستمزد کارگران نساجی و سودای سرشار برندهای «خیابانهای شمال شهری» فراتر می‌نهد. این اتحادیه دست به اقدامات مشخصی می‌زند تا این برندها را به تغییر اساسی در طرقي که این محصولات مبادله می‌شوند، بکشاند. به این ترتیب است که می‌توان اطمینان یافت که کارگران در سودهای حاصله سهیم و از دستمزدی برای دوام زندگی‌شان برخوردار خواهند شد.

آنچه برای این تغییر جنبه‌ای اساسی دارد، توانمندسازی کارگران از طریق اتحادیه‌های کارگری است. اینداستری آل با داشتن شعبه در ۱۴۰ کشور، در تقویت اتحادیه‌ها در هر کشور تولیدکننده پوشاک، کوشاست.

جیرکی راینا، یکی از معماران «پیمان بنگلادش در زمینه‌ایمنی ساختمانی و آتش سوزی» -پیمان راه‌گشایی که با بیش از ۲۰۰ برند مد به دست آمد- چنین نتیجه می‌گیرد: "ما با برندهای جهانی پوشاک برای ایجاد تغییری سیستماتیک در صنعت جهانی نساجی همکاری می‌کنیم. مطالبه‌ی دستمزد بیشتر برای کارگران توسط اتحادیه‌های قدرتمند و موفقیت آنان در این امر، به «مسابقه‌ی جهانی به اعماق» خاتمه خواهد داد؛ مسابقه‌ای که در آن برندها تولید را از کشوری به کشور دیگر در جست‌وجوی دستمزد پایین‌تر منتقل می‌کنند. مستندواره‌ی گفته شده را می‌توان در لینک زیر دید:

<http://www.industrial-union.org/fashions-true-cost-is-at-workers-expense>



سختی را برای متخلفین به اجرا گذاشته است، این موضوع کارخانه‌های شالی کوبی استان را نیز در آستانه تعطیلی قرار داده است.

این فعال کارگری با اشاره به اشتغال ۱۰ تا ۱۵ کارگر فصلی در هر یک از واحدهای شالی کوبی، افزود: فقط در حومه شهر گرگان ۲۷ کارخانه شالی کوبی وجود دارد که کارگران‌شان امنیت شغلی خود را در مخاطره می‌بینند.

دبیر خانه کارگر گلستان در ادامه تصریح کرد: دولت با اجرای این طرح در سال جاری علاوه بر تعطیل کردن تعداد زیادی از کارخانه‌های شالی کوبی و بیکاری کارگران‌شان، امنیت شغلی کارگران فصلی شالیزارها را به خطر انداخته است.

طالبان در خاتمه تصریح کرد: اجرای این طرح، چالش‌های پیش روی کشت برنج را افزایش داده و به نظر می‌رسد دولت سال آینده برای جبران کسری برنج مصرفی کشور قصد واردات برنج‌های خارجی را دارد که این امر نابودی کشاورزان و کارگران داخلی را به همراه دارد.

درخواست برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد

به گزارش ایلنا براساس این نامه که روز ۹ خرداد در دبیرخانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ثبت رسیده است از «علی ربیعی» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواسته شده است تا محلی را برای برگزاری مجمع عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد معین کند.

نویسندگان این نامه یادآور شده است مجمع عمومی کارگران شرکت واحد برای بازگشایی سندیکای کارگران این شرکت نخستین بار در تاریخ ۱۳ خرداد ماه سال ۸۴ برگزار شده است.

وی اظهار داشت: پارسال شهرداری نزدیک به پنج ماه حقوق عقب افتاده داشت که به مرور زمان تا اسفندماه این بدهی‌ها را تسویه کرد ولی از آن زمان به بعد (اسفند ۱۳۹۳) تاکنون هیچ حقوقی پرداخت نکرده است.

کارگران شرکت استیم دست از کار کشیدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران :

۵۰۰ کارگر شرکت استیم پتروشیمی ایلام دست از کار کشیدند و مقابل در ورودی شرکت تجمع کردند.

طبق خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، ساعت ۷ صبح چهارشنبه ۱۳ خرداد ۹۱ پانصد کارگر شرکت استیم پتروشیمی ایلام که در ۱۵ کیلومتری شهر ایلام واقع شده است برای اعتراض به افزایش ساعت کار و ۴ ماه حقوق معوقه ی خود دست از کار کشیدند و در مقابل درب ورودی شرکت تجمع کردند.

طبق اخبار ارسالی کارفرما از کارگران خواسته بود تا از ساعت ۷ و نیم صبح الی ۷ و نیم شب کار کنند که مورد اعتراض کارگران قرار گرفت. اعتراض کارگران تا ساعت ۱۰ صبح طول کشید و در ادامه کارفرما متعهد شد که ساعت کار کارگران را به صورت ۷ و نیم صبح الی ۵ و نیم عصر بپذیرد و تعهد کتبی مبنی بر پرداخت دو ماه از چهار ماه حقوق معوقه تا ۲۰ خرداد را به کارگران داد. با این تعهد کارگران به اعتصاب خود پایان دادند.

شغل کارگران شالی کار و شالی کوب در خطر نابودی

ممنوعیت استفاده از آب‌های زیر زمینی امنیت شغلی شالی کاران و کارگران کارخانه‌های شالی کوبی در استان گلستان را تهدید می‌کند. «غلام رضا طالبان» دبیر خانه کارگر گلستان در این باره به ایلنا گفت: پس از اجرای ممنوعیت استفاده از آب‌های زیر زمینی در استان گلستان طی سال جاری، بسیاری از کشاورزان گرگانی برای کشت شالی امکان استفاده از آب چاه و سایر آب‌های زیر زمینی را ندارند و دولت جرایم



در رابطه با این درخواست کارگران شرکت واحد «دلاور نظری» مدیرکل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به ایلنا گفت: مطابق مقررات فصل ششم قانون کار کارگران تنها مجاز به تشکیل یکی از سه تشکل شورای اسلامی کار، انجمن صنفی کارگری یا انتخاب نماینده کارگر هستند.

وی ادامه داد: براین اساس با توجه به شرایط پیش بینی شده در قانون کار هیچ تشکل کارگری دیگری تحت عنوان سندیکا در کارگاه‌های مشمول قانون کار مجاز به فعالیت نیست.

تشخیص داده و از بازگشت به کار آنها جلوگیری می‌کنند.

منابع خبری در معدن طلای آق دره تکاب از بلاتکلیفی ۱۵۰ کارگر فصلی این واحدمعدنی برای بازگشت بکارشان خبر می‌دهند.

به گزارش ایلنا، از مجموع ۳۵۰ کارگر فصلی این معدن حدود ۲۰۰ تن تا اردیبهشت ماه به کار دعوت شده اند اما هنوز وضعیت شغلی ۱۵۰ کارگر باقیمانده مشخص نیست.

این درحالی است که کارگران فصلی معدن طلای آق دره می‌گویند با گذشت ۷۰ روز از شروع سال ۹۴ نه تنها هنوز هیچ راهی برای تامین معاش ۱۵۰ همکار تعدیل شده آنها پیدا نشده است بلکه اخیرا برای کارگر نیز برگه احضاریه صادر شده است ۱۲ گفته می‌شود این احضاریه‌ها در ارتباط با اعتراض صنفی سال گذشته صادر شده و براساس آن کارگران احضار شده باید در روز ۲۹ شهریور ماه برای دومین بار به دادگاه تکاب مراجعه کنند.

کارگران چینی این بار در شرق کشور

ورود قریب الوقوع کارگران چینی این بار در شرق کشور و در پروژه کارخانه فولاد سازی زرنند موجب افزایش نگرانی کارگران پیمانی این شرکت شده است.

پیش از این به کارگران گفته شده بود تنها ۵۰ پیمانکار چینی قصد ورود به کارخانه در حال احداث فولاد زرنند را دارند اما اینک کمپی با ظرفیت هزار کارگر در حال آماده سازی برای استقبال از کارگران چینی است.

■ مدیر اجرایی پروژه فولاد زرنند در پاسخ به این پرسش که «پیمانکاران چینی برای آموزش نیروی ایرانی می‌آیند؟»

- د -

دلاور نظری در عین حال افزود: از قرار معلوم چون درخواست مورد نظر خطاب به وزیر کار نوشته شده است فعلا از آن اطلاعی نداریم.

تجمع کارگران ورزشگاه آزادی مقابل وزارت ورزش

نزدیک به یکصد تن از کارکنان شرکت ورزش یاران ایرانیان که به عنوان پیمانکار از این مجموعه ورزشی نگه داری می‌کنند، با حضور مقابل وزارت ورزش و جوانان خواستار تبدیل وضعیت سازمانی از پیمانکاری به قراردادی و پرداخت مطالباتشان شدند.

به گزارش ۱۰خرداد ایرنا، صبح یکشنبه، جمعی از کارگران شاغل درمجموعه ورزشی آزادی در اعتراض به تاخیرچندماهه در پرداخت حقوق و عدم تبدیل وضعیت سازمانی، مقابل ساختمان وزارت ورزش و جوانان حضور یافته و خواستار احقاق مطالبات خود شدند.

یکی از تجمع کنندگان گفت: سه ماه است که حقوق دریافت نکرده و حقوق و پاداش اسفند ماه سال گذشته را نیز با کلی تاخیر به تازگی به حساب ما واریز شده اند. وی خواستار تبدیل وضعیت سازمانی از پیمانکاری به قراردادی شد و تاکید کرد

کارگران موثر در اعتصاب های کارگری از کار منع می‌شوند

بر اساس ادعای کارگران معدن طلای آق دره ، شورای تامین شهرستان تکاب و کارفرما از مجموع ۱۵۰ کارگری که هنوز امکان بازگشت به کار آنها محیا نشده است، تعداد ۲۶ تن را در ارتباط با اعتراضات صنفی سال گذشته مقصر



سه سال بلاتکلیفی کارگران «شیل»

به گزارش ایلنا، ۱۸ کارگر قرار دادی کارخانه آجر ماشینی «شیل» که از سال ۹۱ با تعطیلی کارخانه بیکار شده اند، با ادامه یافتن بلاتکلیفی‌شان تا به حال چندین بار به نهادهای استانی و شهرستانی مراجعه کرده‌اند اما تا کنون از این رایزنی‌ها نتیجه‌ای حاصل نشده است .

اخراج ۱۱۰ کارگر قند کامیاب

۱۱۰ کارگر قند کامیاب اخراج شدند. کارگران معترض این کارخانه بعد از دریافت حکم اخراج خود توسط کارفرما، با انتخاب نمایندگانی برای شکایت به اداره کار خمینی‌شهر اصفهان مراجعه کردند.

به گزارش ایلنا، این کارگران علاوه بر حق عیدی سال ۹۳ (معادل دو ماه حقوق) دستمزد بهمن و اسفند سال گذشته و همچنین حقوق ماه‌های دی و بهمن سال ۹۲ را نیز دریافت نکرده‌اند.

کارگران بیکار عسلویه تجمع کردند

صد ها تن از بومیان جوینده کار عسلویه تجمع کردند.

گفته می‌شود به دنبال برپایی این تجمع مسئولان منطقه ویژه عسلویه با حضور در جمع نمایندگان تجمع کنندگان وعده داده‌اند که تا چند روز آینده به خواسته آنها مبنی بر توزیع عادلانه فرصت‌های شغلی رسیدگی کنند.

در این رابطه «بوهندی کمالی» عضو شورای اسلامی بخش چاه‌مبارک منطقه عسلویه به ایلنا گفت: مدت‌هاست که اهالی منطقه نسبت به نحوه استخدام کارگران شاغل در پروژه‌های عسلویه معترض هستند.

وی افزود: هرچند به دلیل متفاوت بودن مقررات اشتغال مناطق آزاد و ویژه اقتصادی شرایط کار در منطقه ویژه اقتصادی عسلویه دشواری‌های خاص خودش را دارد اما واقعیت این است حتی در این شرایط نیز تمایل چندانی برای استخدام کارگران بومی وجود ندارد.



صراحتاً گفته است «خیر، چینی ها می آیند تا جایگزین نیروی ایرانی شود و کار نصب را هم در اختیار می گیرند.» در عین حال رئیس اداره کار زرنند در گفتگو با ایلنا تهدید کرده است که در برابر ورود کارگران چینی مقاومت خواهد کرد. با این حال منابع خبری ایلنا می گویند چینی ها طرف یک هفته آینده وارد زرنند خواهند شد.

اخبار کوتاه:

واردات کاشی چینی، ۱۰ کارخانه یزد را تعطیل کرد

۱۰ کارخانه تولید کاشی در یزد تعطیل شد، علت اصلی آن ورود کاشی های چینی به بازار این استان است.

به گزارش ۱۱ خردادایرنا ، احمد ترحمی بهابادی، مدیرکل دفتر امور امنیتی و انتظامی استانداری یزد، در جمع اعضای کمیسیون فرهنگی ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز استان یزد گفت: اکنون افزون بر ۲۰ میلیون مترمکعب کاشی مناسب و دارای برند یزدی در کارخانجات دپو شده و بازار فروش ندارند که علت اصلی آن بی توجهی به کاشی داخلی و استفاده از مشابه غیرمرغوب خارجی است .



به گزارش ایلنا، پس از وقوع سه حادثه پیاپی در هنگام تعمیرات اساسی پالایشگاه شازند که به کشته شدن ۴ کارگر انجامید، یک کارگر این پالایشگاه از وقوع حادثه دیگری برای خود در روز پنجم اردیبهشت و پیش از حوادث مرگبار بعدی خبر داد. او معتقد است اگر حادثه‌ای که برایش اتفاق افتاد علت‌یابی و با مقصرانش برخورد می‌شد، همکاری‌اش اینک زنده بودند.

خسروی در گفتگو با ایلنا فاش کرد روز ۵ اردیبهشت ماه امسال، دقایقی پس از ورود به راکتور مستقر در واحد ۱۸ پالایشگاه امام خمینی شازند به دلیل استنشاق گاز سولفید هیدروژن بیهوش شده است. آنطور که بعدها برایش روایت کردند همکاری که در دریچه راکتور ایستاده بوده با داد و فریاد از سایر کارگران کمک خواسته است و پس از آنکه او را از راکتور خارج کردند، هر دو را به بیمارستان ولیعصر اراک منتقل کردند.

این کارگر پیمانی پالایشگاه شازند در بخشی از این گفتگو درباره نحوه استخدامش در این پالایشگاه افزود «من بومی این منطقه هستم، ساکن روستای خط سفلی در نزدیکی پالایشگاه شازند.

امسال اولین باری بود که برای دوره ۴۵ روزه اورهال [تعمیرات اساسی] استخدام شدم. ۸ روز کار کرده بودم که دچار این حادثه شدم. مرا به عنوان کارگر ساده استخدام کرده بودند، اما می‌خواستند وارد راکتور شوم. نه راهنمایی‌ام می‌کردند، نه آموزش دیده بودم و نه تخصص این کار را داشتم.»

ابوالفضل خسروی در عین حال گفت تاکنون بیش از ۵ میلیون تومان برای درمان صدمات وارده به مغز و ریه‌اش هزینه کرده است اما پزشکان به او گفته‌اند حداقل ۵ میلیون تومان دیگر باید هزینه کند تا دوره درمانش کامل شود.

او گفت تحت پوشش بیمه روستاییان قرار دارد اما هنگامی که به بیمارستان‌های امیرالمومنین و ولیعصر اراک مراجعه کرده است، روسای این دو بیمارستان به او گفته‌اند بیمه هزینه‌های درمانش را پرداخت نمی‌کند.

این کارگر فصلی درباره نوع مواجهه کارفرما و پیمانکار با هزینه‌های درمانش گفت «همه هزینه‌ها را تاکنون از جیب خودم پرداخت کرده‌ام. پیمانکار [شرکت پتروسازان] و پالایشگاه نه تنها حاضر نیستند این هزینه‌ها را پرداخت کنند که دستمزد روزهایی که در پالایشگاه مشغول به کار بودم را هم گرو نگه داشته‌اند.

پیمانکار می‌گوید ابتدا باید رضایت بدهم تا بعد حق و حقوقم را پرداخت کند. وقتی هم به مدیرعامل پالایشگاه شکایت می‌برم می‌گوید این قضیه به پیمانکار مربوط است.»

کارگران شرکت پیمانکاری «معتبر» ۷ ماه بدون حقوق

کارگران به ایلنا گفته‌اند شرکت پیمانکاری «معتبر» که مجری احداث تونل انقلاب در شهر سنندج است به بهانه پرداخت نشدن صورت وضعیت‌های مالی شرکت از سوی شهرداری سنندج، حقوق کارگران را طی ۷ ماه گذشته پرداخت نکرده است.

عدم پرداخت ۲۶ ماه حق بیمه کارگران شرکت "نگین سبز خاورمیانه"

حق بیمه ۱۵۰ کارگر شاغل در کشتی‌های لایروب شرکت نگین سبز خاورمیانه نزدیک به ۲۶ ماه است که به سازمان تامین اجتماعی پرداخت نشده است. کارگران نگران ایجاد فاصله در سوابق بیمه‌ای‌شان و به تبع ایجاد مشکل در هنگام بازنشستگی هستند

حوادث کار:



خونریزی ریه و سردرد شدید؛ یادگار پالایشگاه شازند

وقتی ناشتا هستم خون بالا می‌آورم، بیشتر وقت‌ها ریه‌ام می‌سوزد و سردرد شدید دارم». این جملات را «ابوالفضل خسروی»، یکی از کارگران مصدوم پالایشگاه خمینی شازند در توصیف حال این روزهایش می‌گوید. او در گفتگو با ایلنا از وقوع یک حادثه دیگر در جریان تعمیرات اساسی این پالایشگاه پرده برداشت، حادثه‌ای که تاکنون سعی می‌شد مخفی بماند.



نوجوان ۱۵ ساله افغان هنگام کار در تهران کشته شد

شامگاه دوشنبه، ۱۱ خرداد یک کارگر ۱۵ ساله افغان بر اثر سقوط از ساختمان در حال احداثی در تهران جان باخت. به گزارش ایلنا، این حادثه در خیابان وحدت اسلامی تهران اتفاق افتاده و طی آن یک کارگر ۱۵ ساله تبعه کشور افغانستان بر اثر سقوط از ارتفاع ۶ متری جان باخته است.

ماموران اورژانس که در ساعت ۱۹:۴۴ روز دوشنبه از وقوع این حادثه مطلع شده بودند، در بررسی‌های اولیه اعلام کرده‌اند این کارگر نوجوان از ناحیه سر با زمین برخورد کرده در دم جان خود را از دست داده است.

* * * * *

کشته شدن یک کارگر در قصر شیرین

کارگری حین تخلیه لوله های فلزی از یک خودرو تریلر در مسیر قصرشیرین به سرپل ذهاب دچار حادثه شد و جان باخت.

به گزارش ایلنا، این حادثه (۹ خرداد ماه) زمانی رخ داد که کارگری حین خالی کردن لوله های فلزی «شرکت آبیاری تنگه حمام» از پشت یک دستگاه تریلی در مسیر جاده قصرشیرین به سرپل ذهاب حوالی روستای کلانتر دچار حادثه شده و لوله ها بر روی وی سقوط کردند.

بر اساس این گزارش؛ کارگر سانحه دیده با حضور گروه های امدادی و اورژانس به بیمارستان شهدای شهرستان سرپل ذهاب منتقل شد اما ساعاتی بعد به علت شدت جراحت در بیمارستان فوت می کند.

* * * * *

کارگر پیمانی اداره گاز شبستر کشته شد

این حادثه (۵ خرداد) در شهر وایقان شهرستان شبستر در استان آذربایجان شرقی، زمانی رخ داد که یک کارگر پیمانکاری که قصد بررسی یکی از ایستگاههای تقلیل فشار گاز به کوره‌های آجر پزی شهر وایقان را داشت با سقوط ناگهانی این ایستگاه بر روی سرش کشته می‌شود.

نیروهای امدادی مستقر در محل حادثه علت مرگ این کارگر را بی‌احتیاطی عنوان کرده‌اند.

* * * * *

ظاهرا دلیل درخواست پیمانکار برای اخذ رضایت از خسروی به شکایتی باز می‌گردد که او در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ماه امسال در دادگستری شازند طرح کرده است.

ابوالفضل خسروی درباره این شکایت گفت «از کارفرما و پیمانکار به اتهام عدم رعایت موارد ایمنی، عدم آموزش، به کارگیری من در کار تخصصی و عدم پرداخت حق و حقوقم در دادگستری شازند شکایت کرده‌ام.

پرونده مرا به پزشک قانونی فرستادند و پزشکی قانونی صدمات وارده را تایید کرده است.

می‌گویند گزارش پزشکی قانونی به دادگاه ارسال شده است و قاضی در انتظار گزارش اداره کار است.»

خسروی در این گفتگو فاش کرد حادثه‌ای که برای او اتفاق افتاده است در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه امسال به مراجع رسمی گزارش شده است.

او معتقد است «اگر این حادثه همان زمان اطلاع رسانی می شد، احتمالا حوادث بعدی در این پالایشگاه اتفاق نمی افتاد.»

این ادعا از آن جهت حائز اهمیت است که اولین حادثه منجر به مرگ در جریان تعمیرات اساسی پالایشگاه خمینی شازند روز ۷ اردیبهشت به وقوع پیوست.

در این حادثه ۷ کارگر بر اثر استنشاق گاز سولفید هیدروژن مصدوم شدند که سه تن از آنها جان باختند.

این حادثه تنها دو روز پس از وقوع حادثه برای ابوالفضل خسروی و دقیقا به همان شکل اتفاق افتاد.

علاوه بر این، حداقل دو حادثه دیگر به ترتیب در نیمه شب ۷ اردیبهشت و روز ۱۵ اردیبهشت در پالایشگاه شازند به وقوع پیوست که این حوادث نیز به مرگ یک کارگر و مصدومیت ده‌ها کارگر دیگر منجر شد.

فرماندار شازند یک هفته پس از وقوع آخرین حادثه مرگبار در پالایشگاه شازند از شناسایی ۱۳ قصور کارفرما و پیمانکار در این حوادث خبر داد.

* * * * *



شمار قربانیان در «فولاد خراسان» به ۲ تن رسید

«علی اکبری»، یکی دیگر از کارگران فولاد خراسان که بر اثر فوران مواد مذاب از دیگ مستقر در کارگاه ریخته‌گری این کارخانه به شدت مصدوم شده بود، ساعت ۱۰ صبح (سه‌شنبه ۵ خرداد) جان باخت و به این ترتیب شمار قربانیان این حادثه به دو تن رسید.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگر قراردادی فولاد خراسان طی حادثه‌ای که در تاریخ ۲۲ اردیبهشت بر اثر فوران مواد مذاب از دیگ مستقر در کارگاه ریخته‌گری این کارخانه به وقوع پیوست، مصدوم شده بود.

دو کارگر دیگر به نام‌های «داود سهلی» و «حجت شرقی» بر اثر این حادثه مصدوم شده بودند، که آقای سهلی چهار روز پس از وقوع حادثه جان باخت اما بنا به گفته منابع کارگری حال آقای شرقی رو به بهبود است.

یکی از کارگران پیش از این به ایلنا گفته بود «کارگرانی که در کارگاه ریخته‌گری در اطراف دیگ مواد مذاب کار می‌کنند، در اصل باید لباس ضد حریق داشته باشند اما همواره لباس کار معمولی در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد».

این ادعا از آن جهت حائز اهمیت است که میزان سوختگی دو کارگر جان باخته بیش از ۷۰ درصد گزارش شده است.

گفتنی است مجتمع فولاد خراسان با نزدیک به ۱۵۰۰ کارگر در ۱۵ کیلومتری شمال غرب شهرستان نیشابور واقع شده است.

* * * * *

مرگ و سوختگی شدید ۲ کارگر در چهاردانگه اسلامشهر

سخت‌گویی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران از وقوع آتش سوزی در یک تعمیرگاه خودرو جان باختن یک کارگر خبرداد.

به گزارش ۱۲ خرداد ایرنا، سید جلال ملکی روز سه شنبه افزود: ساعت ۹:۵۱ دقیقه امروز آتش سوزی در یک مکانیکی در چهاردانگه اسلامشهر به سامانه ۱۲۵ اعلام و ماموران سه ایستگاه آتش نشانی تهران به عنوان نیروهای کمکی به محل حادثه اعزام شدند.

وی بیان کرد: دو کارگر در این تعمیرگاه با وسعت ۱۲ متر مربع در حالی تعمیر یک دستگاه خودروی وانت بودند که خودرو آتش گرفته و دو کارگر در تعمیرگاه حبس شدند.

ملکی ادامه داد: آتش نشانان با ورود به محل، جسد یکی از کارگران را خارج و دیگری را نیز نجات دادند.

سخت‌گویی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران با بیان اینکه این دو کارگر ۴۰ سال داشتند خاطر نشان کرد: یکی از کارگران به دلیل شدت جراحت فوت کرده و یک کارگر دیگر نیز دچار سوختگی شدید شده و به عوامل اورژانس تحویل داده شد.

اطلاعیه:

پیام کانون مدافعان حقوق کارگر به اجلاس سالانه "سازمان جهانی کار"

با دروهای فراوان به کنفدراسیون بین المللی کارگران ITUC امسال نیز همانند چند سال گذشته به دلایل مختلف نتوانستیم در آن اجلاس شرکت کنیم. در همین جا از دعوت شما برای شرکت در اجلاس سالانه آن نهاد تشکر می‌کنیم.

جهت اطلاع لازم است بدانید که همان گونه که در سال‌های قبل پیام خود را به آن اجلاس فرستادیم متأسفانه فعالان کارگری و نمایندگان مستقل نهادهای کارگری هم چنان تحت تعقیب‌اند و یا زندان‌های طویل‌مدت را از سر می‌گذرانند.

در این راستا علاوه بر زندانیان قبلی در آستانه برگزاری جشن‌های روز کارگر امسال محمود صالحی از فعالان کارگری خباز- ابراهیم مددی و داود رضوی از فعالان سندیکای شرکت واحد ... و عثمان اسماعیلی یکی دیگر از فعالان کارگری بازداشت شدند که برای هر کدام پرونده‌هایی در جریان است.

(لازم به ذکر است که این دوستان بعد از دوره بازداشت ۲۰ روزه آزاد شده‌اند) علاوه بر آنها، پدram نصرالهی، کوروش بخشنده، فردین میرکی نیز بازداشت و برای هر کدام پرونده‌ای تشکیل شده است.



نامه سرگشاده پیش کسوتان کارگری و سندیکایی ایران به سران سه قوه

کوشندگان کارگری و صنفی را آزاد کنید



آنچه این روزها بر جامعه کارگری روا داشته می شود مایه تأسف ماست. سالهاست کوشندگان کارگری برای احقاق حقوق کارگری خود نه تنها به زندان، بلکه دوسالی است به شلاق هم محکوم می شوند و حتا به تازه گی کارفرمایان جرات کرده برای هر احقاق حقوق و درخواست کارگری، از کارگران خود که نماینده کارگر هستند به دادگاه شکایت برده و آنان را دادگاهی و اخراج می کنند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا در تاریخ ۲۳/۲/۹۴ « سه کارگر لوله سازی خوزستان با شکایت کارفرما به اتهام ایجاد اختلال در تولید کارخانه به دادگاه رفتند و کارفرمای بخش خصوصی با چند مامور لباس شخصی وارد کارخانه شده و با تهدید و توهین ۸۰ کارگر با سابقه را از این کارخانه بیرون کرده است».

در روزهای منتهی به روزکارگر ابراهیم مددی، سید داوود رضوی از کوشندگان کارگری سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و محمود صالحی و عثمان اسماعیلی در کردستان به دلیل برپایی جشن روزکارگر دستگیر شدند.

شما بخوبی مطلع هستید که تا جرمی صورت نگرفته هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد، چه رسد به آنکه اگر کسی بخواهد نص صریح قانون اساسی را که همانا برپایی تجمع و راهپیمایی است را اجرا کند، مصون از تعرض است.

در روز های اخیر نیز شاپور احسانی راد و جعفر عظیم زاده را به خاطر تلاش های کارگری بازداشت و زندانی کردند.

یدی صمدی و اسماعیل شبانی نیز هر کدام به ۵ ماه زندان و ۳۰ ضربه شلاق به خاطر فعالیت کارگری در اتحادیه خبازان محکوم و هم چنین کارگران معترض چادرملو نیز به حکم های شلاق محکوم شده اند. علاوه بر آن جعفر عظیم زاده و جمیل محمدی از فعالان کارگری به ترتیب به ۶ سال و ۳ سال زندان محکوم گردیدند..

لیست بلند بالای دستگیری و محکومیت فعالان کارگری به همین جا ختم نشده و شاهپور احسانی راد نماینده کارگران پروفیل ساوه نیز بازداشت شده است. این کارگران به خاطر دریافت نکردن ۴ ماه حقوق دست به اعتصاب زده بودند. جعفر عظیم زاده نیز به دلیل همراهی با خانواده ای ایشان بازداشت شده است.

این امر در حالی است که در سال گذشته بیش از ۲۰۰۰ اعتراض ثبت شده کارگران و معلمان و پرستاران در برابر عدم دریافت حقوق و یا اخراج های بی رویه و تبعیض و سایر موارد صورت گرفته است.. کارگران قطار شهری اهواز بیش از ۷ ماه است که حقوق های خود را دریافت نکرده اند و این عدم پرداخت حقوق به امری عادی در موسسات اقتصادی تبدیل گردیده است.

هم چنین تحمیل حداقل حقوق ۷۱۲ هزار تومانی (۲۱۰ دلار) در ماه بصورت رسمی فقر و گرسنگی را برای خانواده های کارگری تحمیل کرده است، این در حالی است که خط فقر در ایران حداقل ۳ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان (۱۰۰۰ دلار) است.

کلیه این امور سبب شده است تا کارگران در حالی که در سخت ترین شرایط زندگی به سر می برند ازداشتن تشکلهای مستقل و نمایندگان واقعی خود محروم هستند و در نتیجه کارگران ایران به یکی از محروم ترین کارگران جهان تبدیل شده اند.

ما از هم طبقه ای های خود در اجلاس جهانی سازمان کار انتظار داریم تا از ورود نمایندگان دولتی و نمایندگان دروغین کارگران در آن اجلاس جلوگیری کرده و با تصویب پاراگرافی مخصوص به وضعیت کارگران در ایران، به خصوص زندانیان کارگری رسیدگی کنند.

ما همچنین همبستگی خود را با مبارزات کارگران سراسر جهان برای احقاق حقوق خودشان اعلام می داریم و از همین جا یاد آور می شویم که کارگران جهان باید در برابر نظام سرمایه داری حاکم بر جهان که هر روز حلقه فشار بر کارگران را در سراسر جهان تنگ تر می کنند، یکپارچه عمل کرده و بر وحدت خود پافشاری کنند.



آقای حسن روحانی شما در اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند خورده اید: «من به عنوان رئیس جمهور... همه استعداد و صلاحیت خویش را پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم و از هرگونه خودکامگی پرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم».

آقای صادق لاریجانی، شما در اصل ۱۵۶ قانون اساسی موظف شده اید که: «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسوول تحقق بخشیدن به عدالت و احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع و همچنین نظارت بر حسن اجرای قوانین» داشته باشید.

در ماده مکرر ۳۳ قانون کار زمان پهلوی اعتصاب قانونی بود هرچند که توسط دستگاه پهلوی رعایت نمی شد و بعضی کارگران به رگبار بسته می شدند. ما یادآوری می کنیم مرحوم سید محمد حسینی بهشتی از تدوین کنندگان قانون اساسی در مقام ریاست قوه قضاییه در مصاحبه ای در روزنامه جمهوری اسلامی پس از تصویب قانون اساسی تاکید کرد که: «اعتصاب حق کارگران است و امیدواریم که در نظام جمهوری اسلامی روزی نرسد که کارگران برای احقاق حق خود دست به اعتصاب بزنند».

تدوین کنندگان قانون اساسی به درستی در صراحت قوانین این نکته را رعایت نمودند که حاکمان پس از آنها از ابهام قوانین سو استفاده نکرده و آزادی های مردم را محدود نکنند.

آنان در اصل ۹ قانون اساسی به درستی تصریح کردند که : «هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

ما امضا کنندگان این نامه سرگشاده برای رعایت منزلت و شان کوشندگان حقوق کارگری و انسانی از شما می خواهیم کوشندگان کارگری و صنفی را آزاد کنید و در مسوولیت خود نسبت به حسن اجرای قوانین یاد شده، کوشا باشید.

علیرضا فرهادی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران

اتوبوسرانی شرکت واحد تهران

پس از اجتماعات آموزگاران در آستانه اول ماه مه، با احضار و تهدید رئیس کانون صنفی معلمان ایران اسماعیل عبدی را مجبور به استعفا نموده و همچنین در روزهای اخیر هم علی اکبر باغانی نایب رئیس کانون صنفی معلمان ایران را برای اجرای حکم روانه زندان شد.

در اصل ۲۷ قانون اساسی بطور صریح آزادی اجتماعات تاکید شده و فقط شرط عدم داشتن اسلحه و مخل به مبانی اسلام نبودن تجمع، مشروط گردیده است. کیست که نداند یکی از مبانی اسلام برپایی عدل است و کوشندگان کارگری بیش از یکصد و پنجاه سال است که در این امر می کوشند.

آقای روحانی و آقای لاریجانی ، شما به حکم قانون پس از ۳۰ سال کار بازنشسته خواهید شد و از حقوق بازنشستگی استفاده خواهید کرد. این دستاورد را ما کوشندگان کارگری به جامعه با مبارزات خود به ارمغان آورده ایم و شما هم از آن بهره خواهید برد.

ما از شما می پرسیم در کجای قانون اساسی ذکر شده قبل از آنکه عملی صورت بگیرد ضابطین قضایی حق بازداشت دارند؟ در کجای قانون نوشته شده است، کوشندگانی که در چارچوب قانون اساسی فعالیت می کنند را نیمه شب باید به خانه هایشان ریخت و خانواده هایشان را آزار روحی داد؟

آیا در این کشور دستگاهی به نام دادگستری و برگه احضاریه وجود ندارد تا به این کوشندگان ابلاغ، تا در دادگستری حضور یابند؟ آیا این کوشندگان کارگری متواری بوده اند که باید حتمن در نیمه شب در خانه هایشان دستگیر شوند؟ اعمال خلاف قانونی که با ابراهیم مددی و داود رضوی شده است.

ما سال ها در نظام کارگر گُش پهلوی فعالیت سندیکایی کرده و شاهد این گونه اعمال نبوده ایم. ما که برای تغییر نظام سلطنت به یک نظامی که آزادی های محدود شده در زمان پهلوی در آن رعایت شود، کوشا بوده ایم هرگز چنین اعمالی را در ذهن خود متصور نبوده ایم که امروز با کوشندگان کارگری چنین رفتار شود.

زیر پا گذاشتن قانون اساسی و رعایت نکردن شئون انسانی در کشور ما هر روز متأسفانه رواج بیشتری پیدا می کند. سال هاست که نقض فاحش این اصول از قانون اساسی را شاهدیم : ۳- ۹- ۱۹- ۲۰- ۲۶- ۲۷- ۲۹- ۳۰- ۳۱- ۳۲- ۳۷- ۳۸- ۴۳- ۴۴.



اندیشه:

محمدحسین خوان یغما عضو سابق هیات مدیره سندیکای

کارگران فلزکارمکانیک تهران

نبی معروفی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران بنایان
تهران

جواد مهران گهر عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران
کفاش تهران

رضا کنگرانی فراهانی عضو سابق هیات مدیره سندیکای کارگران

خیاط تهران



دولت یازدهم با زمینه‌سازی‌های گوناگون برای آماده‌سازی شرایط حضور سرمایه خارجی و تسهیل امر سرمایه‌گذاری برای شرکای احتمالی در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی، خدمات و... بار دیگر بحث بازنگری در قوانین و مقررات کار را در دستور کار قرار داده است.

«حسین اکبری» با اشاره به جدی‌تر شدن زمره تغییر قانون کار در ماه‌های گذشته به ایلنا گفت: با ابراز نگرانی از جهت‌گیری تغییرات احتمالی در قانون کار، افزود: در نشست‌های نمایندگان دولت با کارفرمایان و کارگران در شورای مشورتی سه جانبه ملی، اساسی‌ترین موضوعاتی که برای تغییر آنها در قانون کار پیشنهادهای مشخصی ارائه شده است، عمدتاً حول دو موضوع است.

موضوع اول حق برخورداری کارگران از شغل مناسب و امنیت شغلی است که در ماده ۲۷ قانون کار تا حدودی تضمین شده است و در طرح پیشنهادی دولت تحت عنوان «افزایش امنیت شغلی و امنیت سرمایه‌گذاری» آمده است.

موضوع دوم نیز حق آزادی تشکلهای است که درمقاله نامه ۸۷ سازمان بین‌المللی کار آمده است و قانون اساسی نیز در فصل سوم به آن پرداخته است و در طرح پیشنهادی دولت

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

۸/۲/۱۳۹۴



قانون کار و بازرگاری در قوانین دست و پاگیر به عنوان یکی دیگر از اقداماتی که می تواند دغدغه های قشر کارگری را کاهش دهد نام برد و گفت دولت با همکاری مجلس در این زمینه نیز تلاش می کند.

اکبری ادامه داد: متعاقب این اظهارات طرح «افزایش امنیت شغلی و امنیت سرمایه گذاری» در دستور کار وزارت کار قرار گرفت. آنگونه که «علی خدایی»، مشاور قانون عالی شوراهای اسلامی کار گفته براساس این طرح قرار است تمام قراردادهای موقت به دائم تبدیل شوند، اما در مقابل اختیار اخراج کارگران به کارفرمایان سپرده شود. هر چند این طرح مخالفین جدی ای چون علی خدایی در تشکلهای رسمی دارد، اما موافقانی هم دارد که بنای موافقت آنها به قول خودشان برچیده شدن ناهنجاری های کنونی در روابط کار است که از اجرای قراردادهای موقت ناشی می شوند. بحث درباره این طرح در شورای مشورتی سه جانبه ملی به پایان نرسیده است و این طرح هم اکنون در انتظار راهیابی به مجلس شورای اسلامی است.

او تصریح کرد: موضوع دیگر اصلاحات در فصل ششم قانون کار است که پیشینه آن به سال ۸۳ و اجلاس سه جانبه ای که با حضور نمایندگان سازمان بین المللی کار در تهران برگزار شد برمی گردد و حاصل آن توافق نامه ای است که انتشار عمومی یافت.

براساس گزارش های خبرگزاری ها در همان زمان، این یادداشت تفاهم با هدف تقویت و توسعه ای انجمن های صنفی (سندیکاها) به امضا رسیده بود و نمایندگان سه طرف موافقت خود را با تجدیدنظر در قانون تاسیس شوراهای اسلامی کار با هدف تقویت کارکرد صنفی این تشکل در زمان مقتضی و مطابق مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ اعلام کرده بودند.

این تفاهم نامه نیز در شورای مشورتی سه جانبه ملی ذیل طرح «توانمندسازی و ساماندهی مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار» در دست بررسی است. رویکرد مهم در این توانمند سازی به گفته رئیس قانون عالی انجمن های صنفی کارگران ایران، «ادغام» تشکلهای رسمی کارگری موجود است. در پیش نویس این طرح پیشنهاد شده است به جای تشکلهای استانی مجمع نمایندگان کارگران، قانون انجمن های صنفی کارگری و قانون شوراهای اسلامی کار، تشکلهایی فراکارگاهی و ملی در سطح هر حرفه یا صنعت تشکیل شود. این طرح در عین حال خواستار تبیین ضوابط شفاف جهت تشخیص تشکل صنفی حائز نمایندگی شده است.

تحت عنوان «توانمندسازی و ساماندهی مشارکت تشکلهای کارگری و کارفرمایی در تنظیم روابط کار» آمده است.

او ادامه داد: در قانون کار مصوب سال ۶۹ امکان دستیابی کارگران به سازمان های مستقل و آزاد سلب شده است و سه گونه تشکل پیش بینی شده در فصل ششم این قانون عمدتاً در راستای منافع آزادانه و مستقلانه کارگران تشکیل نشده اند. از طرفی ماده ۲۷ قانون کار پس از رواج قراردادهای موقت، موضوعیت خود را از دست داده است و قریب به ۹۳ درصد کارگران تابع قراردادهای موقت با کیفیت های متفاوت شده اند، بدان گونه که این قراردادها در مواردی حتی یک ماهه و گاه سفید امضا هستند.

عضویت در سازمان تجارت جهانی ایجاب می کرد تا دولت ایران سه مانع اصلی عضویت در این نهاد را از میان بردارد. مانع اول یارانه ها بودند که باید با آزادسازی قیمت ها برداشته می شدند. مانع دوم آندسته از قوانینی بودند که حق آزادی انتخاب برای سرمایه گذاران را محدود می کردند که از بین این قوانین مزاحم، قانون کار و تامین اجتماعی و مقررات گمرکی بیشتر مورد توجه سرمایه گذاران قرار داشتند.

مانع سوم قانون تجارت بود چراکه از نظر سازمان تجارت جهانی درصد سهام سرمایه گذاران خارجی باید از حداقل ۴۹ درصد به حداقل پنجاه درصد تغییر داده می شد.

این کارشناس مسائل کارگری بیان کرد: این دو موضوع اساسی در روابط کار از نظر سرمایه داران و نهادهای بین المللی آنها محل اشکال است و از آنجا که جذب سرمایه و تکنولوژی خارجی و رضایت سرمایه داران اعم از داخلی و خارجی مورد توجه دولت های پس از جنگ و به اصطلاح دوره سازندگی تاکنون بوده است، صرف بودن این مواد قانونی و یا هرگونه مانع قانونی دیگر در برابر سرمایه گذاری موجب شده تا نهادهای مرجع سرمایه جهانی یعنی سازمان تجارت جهانی (WTO)، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی از پذیرش رسمی ایران به عضویت در WTO خودداری کنند.

به همین دلیل سال هاست که این دو موضوع اساسی مورد توجه وزارت کار قرار داشته و دارد و بر همین اساس دولت لایحه اصلاحی قانون کار را به مجلس فرستاد که این لایحه تا سال ۹۲ مسکوت ماند اما بنابر گزارش ها «حسن هفده تن»، معاون روابط کار وزیر کار در مهر ماه ۹۳ از اصلاح



به عنوان مثال در مناطق آزاد کارفرمایان مجبور به پرداخت حق عیدی و پاداش نیستند و می توانند هر زمان که خواستند کارگر را بدون در نظر داشتن اینکه وی مرتکب کوچکترین قصور یا تخلفی شده باشد اخراج کنند.

وی ادامه داد: برابر مقررات کنونی اشتغال نیروی انسانی در مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، کارگران از حق فعالیت صنفی منع شده‌اند و حتی نمی توانند در سطح کارگاه و یا مراجع حل اختلاف از یکدیگر دفاع کنند.

عضو هیات مدیره نهاد صنفی کارگران استان خوزستان ادامه: در چنین شرایطی میبینیم که دولت اصرار دارد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را توسعه دهد. برای همین معقدیم که اگر اعضای گروه کارگری ایران مشکلات همکاران خود در مناطق آزاد اقتصادی را مطرح کنند عواقب گسترش این مناطق برای کارگران به اطلاع مدیران و کارگران خواهد رسید.

این فعال حقوق صنفی کارگران گفت: از آنجا که رویدادهای سیاسی در ایران نقش بزرگی در چگونگی اجرا، تغییر، تکمیل، تنزیل و دور زدن قوانین یا در تحدید و کوچک کردن دایره مشمولیت آن دارند و هرگونه رویداد سیاسی در روند و میزان شتاب این رخدادها درباره قوانین تاثیرگذار است، برای ارزیابی بهتر و دقیق‌تر از انگیزه ارایه این طرح، بررسی اجمالی دلایل به تاخیر افتادن اجرای تفاهم نامه ۸۳ ضرورت دارد، چرا که اظهارات مسوولین وقت کانون عالی شوراهای اسلامی کار گناه اجرا نشدن این تفاهم نامه را صرفا به عهده دولت های نهم و دهم می‌اندازد و نقش مصلحت گرایانه خود و همه همکارانش را پنهان می‌سازد. واقعیت این است که پس از دوم خرداد ۷۶ حزبی و بنا به عبارت اولیه جبهه‌ای متولد شد که با سلف خود زاویه‌ای موقتی گرفت. این حزب مشارکت بود که به هر انگیزه و اندیشه‌ای در مقابل رقیب شکست خورده انتخابات قدرت نمایی می‌کرد. اگرچه حزب کارگزاران به طور رسمی هیچ نهاد کارگری‌ای را به عنوان بازوی کارگری خود معرفی نکرده بود اما نشانه رفتن این بازو از سوی مشارکتی‌ها و مقابله با آن نشان از برخوردی داشت که اصلا تصادفی نبود.

ادامه دارد

ادبیات کارگری:

سرود کارگر

چرخ صنعت به گردش فتد

با سرانگشت زحمتکششان

پس چرا خود نگیرد ثمر

کارگر، کارگر، کارگر

بازوان توانای ما

بشکند پشت بیگانگان

کی بود ترسمان از خطر

کارگر، کارگر، کارگر

کارگر، کارگر، کارگر

صدای کارگر:

تضمینی برای تحقق حقوق صنفی کارگران وجود ندارد

«مصطفی نظری» در آستانه سفر هیئت اعزامی به سازمان جهانی کار، به ایلنا گفت: احداث مناطق آزاد تجاری یک الگوی توسعه خارجی بود که حدود بیست سال پیش تاکنون در ایران اجرا شده و هر روز نیز بر وسعت آن افزوده می‌شود اما به دلیل آنکه مقررات کار حاکم در این مناطق بر نادیده گرفته شدن حقوق نیروی کار استوار شده است،

این فعال حقوق صنفی کارگران مناطق آزاد افزود: از وضعیت کارگران شاغل در مناطق آزاد دیگر کشورهای جهان چیزی نمی‌دانیم اما حداقل تجربه اجرای بیست ساله مقررات اشتغال مناطق آزاد اقتصادی در ایران نشان داده است که هیچ تضمینی برای تحقق ابتدایی ترین حقوق صنفی کارگران این مناطق وجود ندارد.



به اتحاد، به اتحاد

ز بیخ و بن کاخ ستمگری

که برکنیم، که برکنیم

به اتحاد، به اتحاد

ز بیخ و بن کاخ ستمگری



شب سیاه بردگی گذشت

طلیعه آزادی دمید

کنون ببايد با توان خلق

ز سلطه‌ی بیگانگان رهید

نمی‌کنیم،

نمی‌کنیم

به غیر از این،

به غیر از این

به زندگانی کار دیگری

نمی‌کنیم،

نمی‌کنیم

به غیر از این،

به غیر از این

به زندگانی کار دیگری

قسم به دست پینه بسته‌ها

نمی‌روم جز راه خلق خویش

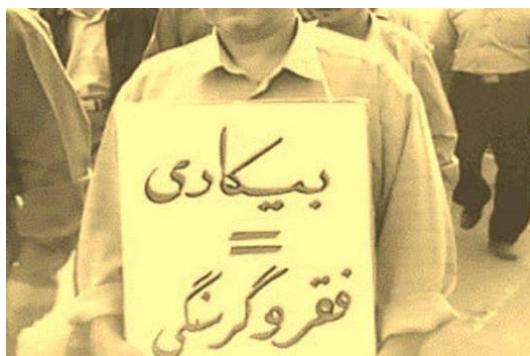
کنون زجای ای برزگر به پیش

کنون بپا ای کارگر به پیش

که برکنیم، که برکنیم

📖 اقتصاد ملی:

رتبه دوم فلاکت اقتصادی برای ایران



ایران در رتبه بندی جهانی شاخص فلاکت در سال ۲۰۱۳، از میان ۹۰ کشور، جایگاه دوم را به خود اختصاص داده است.

گزارش جدید موسسه پژوهشی کاتو در آمریکا نشان می‌دهد که ایران در رتبه‌بندی جهانی شاخص فلاکت در سال ۲۰۱۳، از میان ۹۰ کشور، جایگاه دوم را به خود اختصاص داده و پس از ونزوئلا بدترین شرایط را از این نظر تجربه کرده است.

این گزارش که شنبه ششم اردیبهشت منتشر شده گویای آن است که شاخص فلاکت در ایران تا انتهای سال ۲۰۱۳ میلادی به ۶۱,۶ درصد رسید.



۱۲ میلیون کارگر بدون امنیت شغلی

به گزارش جماران، اقتصاد ایرانی نوشت:



اگر آمار نیروهای فاقد شناسنامه کاری و بیمه که به عقیده بسیاری از کارشناسان بازار کار دستکم ۵ میلیون تن هستند را در پرونده نیروهای کار موقت وارد نکنیم و تنها کارگران و مشمولان قانون کار بیمه شده و دارای کد شناسایی را ملاک قرار دهیم، باید گفت امروز ۱۲ میلیون نفر از نیروی کار کشور در شرایط موقت و کاملاً بدون امنیت شغلی مشغول به کار هستند.

با چرخش شدید نگرش کارفرمایان به جذب نیرو و موقت شدن میلیون‌ها قرارداد کاری در دو دهه اخیر و اداره بازار کار در شرایط موقت، عملاً پرونده استخدام‌ها در بازار کار ایران به آخر خط رسیده و بایگانی شده است.

تا همین ۲۰ سال پیش حجم قابل توجهی از جذب نیروی کار در کشور به صورت استخدام رسمی ۳۰ ساله انجام می‌شد و بخش‌های مختلف در یافتن نیروی کار با نگرش استخدام نیروهای دائم عمل می‌کردند و مانند امروز بازار کار، خبری از امضای هزاران قرارداد موقت و ماهیانه و مانند آن نبود.

به صورت کلی، شرایط به نحوی شده که نه تنها باید پرونده استخدام نیروی کار را برای همیشه بسته بدانیم، بلکه این چرخش دیدگاه و عملکرد بازار کار باعث شده تا امروز شاهد قراردادهای ماهیانه، ۳ ماهه، ۶ ماهه و به صورت کلی انبوهی از قراردادهای زیر یکسال باشیم.

هرچند ممکن است در برخی بخش‌ها مانند پروژه‌های پیمانکاری و مشاغل موقت بتوان انتظار داشت کارفرما اقدام به جذب نیروی کار موقت تا زمان اتمام پروژه خود کند اما اینکه چرا و به چه عللی سرمایه‌گذاران و کارفرمایانی که

ایران در میان رتبه بندی ۹۰ اقتصاد جهان، بعد از کشور ونزوئلا، بدترین رتبه را از نظر شاخص فلاکت دارد. شاخص فلاکت شاخصی است که در آن دو شاخص نرخ تورم و نرخ بیکاری نیز دخیل هستند و یکی از نماگرهای ضعیف بودن اقتصادهاست.

دانشگاه جان هاپکینز یکی از مهمترین مراکزی است که شاخص فلاکت را در اقتصادهای جهان بررسی می‌کند. شاخص فلاکت سال ۲۰۱۲ میلادی به تازگی محاسبه شده و محاسبات مربوط به آن را یک پروفیسور اقتصاد کاربردی در دانشگاه جان هاپکینز به نام استیو هنک انجام داده است.

یافته‌های تحقیق پروفیسور هنک نشان داده است که کشور ونزوئلا بدترین شاخص فلاکت را در میان ۹۰ کشوری که در پژوهش بررسی شده، داشته است. البته طبیعی است که این اتفاق بیفتد به دلیل این که نرخ تورم در ونزوئلا حدود ۶۰ درصد است و این میزان، شاخص فلاکت این کشور را بسیار افزایش داده است.

دانشگاه جان هاپکینز شاخص فلاکت را از مجموع نرخ تورم، نرخ بیکاری، نرخ بهره تسهیلات بانکی و رشد سالانه تولید ناخالص داخلی به دست آورده است. شاخص فلاکت برای کشور ونزوئلا ۴/۷۹ بوده است.

ژاپن نیز کشوری است که کمترین میزان را در شاخص فلاکت به اندازه ۵،۴۱ داشته است. بهترین کشورها از نظر کمترین میزان شاخص فلاکت به ترتیب ژاپن، ازبکستان، تایوان، سنگاپور و کره جنوبی بوده‌اند. از سوی دیگر، بالاترین میزان را در شاخص فلاکت پس از ونزوئلا و ایران، کشورهای صربستان، آرژانتین و جامائیکا داشته‌اند.

در دو کشور ونزوئلا، ایران و آرژانتین، نرخ تورم عمده علتی بوده که شاخص فلاکت را بالا برده است در حالی که در کشور صربستان میزان بیکاری و در جامائیکا نرخ بهره بانکی باعث افزایش شاخص بوده‌اند.

در این رتبه بندی، در اغلب کشور، بیکاری عاملی بوده است که شاخص فلاکت را زیاد کرده است و پس از بیکاری، نرخ بهره بانکی عامل بالا رفتن شاخص فلاکت است. در حالی که تنها در کشورهای ونزوئلا، ایران و آرژانتین شاخص متأثر از نرخ تورم بوده‌اند.

**گزارش:****کارگران و معضل اعتیاد در ایران**

(قسمت اول)



شهناز نیکوروان

کانون مدافعان کارگر

یکی از کارگران غیرصنعتی در بحث‌های گروهی گفت: "از هر ۲۰ معتاد، فقط یک نفر هزینه مواد را از راه فروش مواد به دست می‌آورد"

اعتیاد در ایران نه تنها در میان بیکاران بلکه در میان شاغلان نیز آمار بالایی دارد، در واقع اعتیاد مشکلی است که گریبان تمامی اقشار جامعه از جمله دانشجویان، کارگران را گرفته است.

مجموعه اخبار رسانه‌های حکومتی و گزارشات علیرضا جزینی قائم مقام دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر تنها گوشه‌ای از عمق تباهی نسل جدید را به نمایش می‌گذارد.

در رابطه با تاثیر مواد مخدر و سیاست کارتل‌های مافیایی مواد مخدر وطنی تحقیقات زیادی برای مبارزه با مواد مخدر در یک دهه گذشته صورت گرفته است اما با نگاهی به آمارمشکلات اقتصادی و اجتماعی مردم ایران به طورکلا و انجام این بررسی‌ها در استان‌ها با توجه به حجم و پر رنگی مشکلات کارگران ما را بر آن داشت تا بیشتر به مناطقی اشاره کنیم که نیروی کار با این پدیده درگیر است و به اقشاری بپردازیم که بیشترین آسیب را از این پدیده دیده و می‌بینند.

از سویی دیگر باید گفت که قاچاق و فروش مواد مخدر مانند قاچاق انسان و اسلحه به خاطر سود فراوان هر روز بیشتر توسعه می‌یابد و این امر نیز بخش جدایی‌ناپذیری از جوامع

میلیاردها تومان برای راه اندازی یک کسب و کار هزینه کرده اند نیز اقدام به جذب نیروی کار موقت می کنند، جای سؤال دارد.

قانون کار می گوید انعقاد قرارداد موقت و غیردائم در مشاغلی که جنبه مستمر داشته و سال‌هاست که یک بنگاهی ایجاد و مشغول به فعالیت است، غیرقانونی است و معنا ندارد. کارشناسان بازار کار همواره بر این نکته تاکید می‌کنند که امروزه صدها هزار قرارداد موقت از سوی بنگاه‌هایی به امضا می رسد که شاید ۲ تا ۳ دهه و بیشتر از آن ایجاد شده و مشغول به کار هستند!

بنابراین موقتی شدن بازار کار کشور و بی میلی تقریباً تمامی واحدهای تولیدی و صنعتی کشور از جذب نیروی کار دائم باعث شده تا جریان مداومی از رفت و آمد نیروی کار در بین بنگاه‌های مختلف در حال اتفاق افتاده باشد.

به بیان ساده تر، هرچند ورود و خروج نیروی کار در بازار کار تمامی کشورها وجود دارد و می‌تواند خود باعث نوآوری و تحرک مثبت باشد اما نباید از یاد بُرد که کارفرمایان با نگرش جذب نیروی موقت و غیردائم، به صورت مداوم در حال آموزش نیروهای تازه کار و مبتدی و پرداخت هزینه در این بخش هستند.

در هر صورت بازار کار ایران امروز به شرایطی رسیده که بیش از ۹۴ درصد کل قراردادهای کار آن به صورت موقت بسیار کوتاه مدت منعقد می‌شود و دوره‌های انعقاد قرارداد به قدری کوتاه است که حتی به یکسال نیز در بسیاری از موارد نمی‌رسد.

اگر آمار نیروهای فاقد شناسنامه کاری و بیمه که به عقیده بسیاری از کارشناسان بازار کار دستکم ۵ میلیون نفر هستند را در پرونده نیروهای کار موقت وارد نکنیم و تنها کارگران و مشمولان قانون کار بیمه شده و دارای کد شناسایی را ملاک قرار دهیم، باید گفت امروز ۱۲ میلیون نفر از نیروی کار کشور در شرایط موقت و کاملاً بدون امنیت شغلی مشغول به کار هستند.

از بین رفتن امنیت شغلی خود از دلایلی است که برای پایین بودن بهره وری نیروی کار در ایران مطرح می شود؛ در واقع امنیت شغلی و ایجاد وابستگی سازمانی برای نیروی کار می تواند در میزان بهره وری و تلاش افراد در کار تاثیرگذار باشد.



در بحث قاچاق موادمخدر مانند قاچاق انسان باید به فرآیندی اشاره کرد که پویاست و بخشی از اقتصاد کلان و خرد، نه تنها ایران که جهان را شامل می‌شود. می‌توان به عوامل درگیر در این فرآیند اشاره کرد: از قاچاقچیان عمده و بین‌المللی که مافیای موادمخدر را در جهان تشکیل می‌دهند تا فروشندگان خرده پا و معتادان. این چرخه در سیکلی دایمی در حال چرخیدن است و در این چرخه نه تنها پول‌های کلان و عظیمی جابه‌جا می‌شود، بلکه جان‌ها و خون‌های زیادی نیز به هدر می‌رود.

معاون ستاد مبارزه با موادمخدر کشور در مصاحبه‌اش می‌گوید: «بعد از مرگ و میرهای ناشی از تصادفات و سوانح جاده‌ای دومین عامل مرگ‌ومیر در کشور ناشی از سوءمصرف موادمخدر می‌باشد». براساس آمار و ارقامی که گاهی از طرف دولت و سیستم دولتی منتشر می‌شود می‌توان به وضعیت وخیم جامعه ایران پی برد که در منجلاب موادمخدری با اسامی متفاوت و کیفیت‌های بسیار نازل دست و پا می‌زند. از لابلای این خبرها درمی‌یابیم که مواد مخدر و مصرف آن در جامعه را نیز باید طبقاتی دید.

اما از سوی دیگر ما با آماری از طرف منابع دولتی مواجه هستیم که بیانگر آمار بالای اعتیاد در میان کارگران نیز است

نتیجه یک تحقیق که اخیراً در منطقه اسلامشهر تهران انجام شده در گزارشی منتشر گردیده است: «۷۸ درصد معتادان دستگیرشده این منطقه شاغل بوده‌اند. در این میان بیشترین سهم از آن کارگران مراکز صنعتی، کارگاهی و تولیدی است. ۳۰ تا ۳۵ درصد کارگران این مراکز معتادند، یعنی جمعیتی بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزارتن».

در بخش دیگری از این گزارش اشاره شده است که: «ستاد مبارزه با موادمخدر طی بررسی‌ای که روی افراد شاغل معتاد انجام داده به این آمار رسیده است که بیش از ۱۸ درصد این افراد کارگر ماهر و نزدیک به ۱۶ درصد کارگر ساده‌اند. حدود هشت درصدشان راننده شهری و همین تعداد مغازه‌دار هستند.

نزدیک شش درصد دارای مشاغل تخصصی و ۵ درصد دارای مشاغل غیررسمی‌اند. بیش از ۴/۵ درصد راننده برون‌شهری و نزدیک چهار درصد نیز سایر مشاغل را دارند. براساس این آمار ۲۸ درصد معتادان بیکار، قیلاً شاغل بوده و به دلیل اعتیاد از محل کارشان اخراج شده‌اند» قائم مقام دبیر ستاد مبارزه با موادمخدر علیرضا جزینی در مصاحبه با خبرگزاری فارس از اعتیاد ۲۰ درصد کارگران و حوزه صنعت به موادمخدر خبر داد.

طبقاتی است. لازم است با توجه به افزایش سود اقتصادی و سیاسی آن به مسائل و مشکلاتی به طور عمیق پرداخت که مصرف این مواد افیونی برای مردم ایران به ارمغان می‌آورد که البته انجام این امر مستلزم نیرو، بودجه، زمان بسیار، آزادی تحقیق و رفت و آمد در محیط‌های کار است که امکان آن برای ما نیست.

البته در این مطلب هدف بررسی علمی و جامعه‌شناسانه‌ی اعتیاد نیست بلکه اشاره به عوارض و تأثیر مصرف موادمخدر بر زندگی محرومان و طبقه کارگر ایران است. ما کاملاً واقف هستیم بخشی از ثروتمندان از زاویه لذت‌زودگذر به موادمخدر نگاه می‌کنند و در غرب آزادسازی ماری‌جوانا در همین راستا می‌باشد و نهادهای سرمایه‌داری برای سود خود خواهان آزادسازی موادمخدر هستند و شه‌رزاد برومند در دفاع از این نظریه در ایران کار کرده است.

تریاک و تریاک‌کشی در اغلب کشورهای آسیایي دستاورد استعمار است، با نگاه به تاریخچه جنگ‌های تریاک چین به خوبی با سیاست‌های استعماری انگلیس آشنا می‌شویم که به وضوح نشان می‌دهد منافع اقتصادی که این ماده و سایر مواد افیونی برای نظام سرمایه‌داری دارد درگیر شدن مردم در دام اعتیاد کار را برای برنامه‌های استعماری و استثمار س‌ه‌ل‌تر می‌کند.

با نگاهی به تاریخچه تریاک در ایران نیز پای دولت استعماری وقت انگلیس را می‌بینیم که چگونه در دوره حکومت پادشاهان خائن ایران تریاک را در ابتدا با به طمع انداختن کشاورزان از طریق خرید تریاک به قیمت گران و بازپس گرفتن سوخته تریاک از آنها در ازای پول خوب و همچنین منافع بالای مالی کشت تریاک و فراوانی آن کم‌کم جامعه را درگیر این ماده افیونی کردند.

گرچه ایرانیان و به خصوص دربار ایران قبل‌تر از این نیز با تریاک آشنایی داشتند اما در واقع در ابتدا علاوه بر تریاک، خرید و فروش محصولات منتج از این ماده توسط انگلیسی‌ها به عنوان یک تجارت پرسود گسترش یافت و این تجارت نیز مانند سایر تجارت‌ها به مرور زمان دستخوش تغییر و تحول زیادی شد. اما آن چه باید به آن پرداخت و اشاره کرد این است که قاچاق موادمخدر، به لحاظ منافع اقتصادی آن برای سیستم‌های بازار، یکی از ویژگی‌های نظام سرمایه‌داری است و به این ترتیب افراد بسیاری از مبارزات اجتماعی دور می‌شوند.



با ۱۰ سال سابقه کار، سه سال است که حقوقم ۴۰۰ هزار تومان است و الان دوماهی می‌شود که شرکت خصوصی صاحب معدن تنها بخشی از حقوق ما کارگرها را می‌دهد و ۲۰ تن را هم همین یکی و دوماه به دلیل بالا رفتن هزینه‌ها و فروش نفت زغال سنگ اخراج کرده است. خوب در این شرایط کار در معدن؛ کارگر یک حب تریاک می‌زند و بعد بی خیال می‌رود به عمق زمین».

ادامه دارد

همچنین در سایت خبر آنلاین ۱۳ مرداد ۱۳۹۳ آمده است: کارگران معتاد صنایع کشور را زمین گیر کردند.

اعتیاد کارگران علاوه بر مشکلات فردی و خانوادگی و اجتماعی صدمات متعدد و زیادی بر انسجام و آگاهی کارگران نسبت به حقوق طبیعی‌شان و آگاهی طبقاتی‌شان می‌زند و از سویی دست کارفرما و سرمایه‌دار را در سوءاستفاده و بهره‌برداری بیشتر از کارگران باز می‌گذارد و کارگران به بهانه‌های متعددی از حق و حقوق خود محروم می‌شوند و امکان حداقلی تبدیل قراردادهای کاری کوتاه مدت به دائمی یا طولانی مدت از بین می‌رود و کارگران اخراج شده و کارگران تازه نفس جایگزین این کارگران می‌شوند و وقتی معتاد و شیره جانشان مکیده شده اخراج و کارگران جدید جایگزین آنها می‌شوند.

این مشکل کاملاً آشکاری است که کارگر معتاد قادر به کار با بازدهی بالا نیست و از طرفی نسبت به حق و حقوق خود نیز کاملاً آگاه نیست و گرچه با وجود آگاه بودن، به دلایل مختلف از جمله اسیر مواد افیونی بودن مشکل بسیار بزرگی بر سر راه آگاهی و مبارزه طبقاتی‌اش نیز می‌باشد.

اما بررسی و دلایل اعتیاد کارگران دارای اهمیت بسیار زیادی است که باید مطرح شود. این گونه خبررسانی‌ها و تیتورها بیشتر به دنبال مجرم است تا تعطیلی کارخانه‌ها را به گردن کارگران بیندازد. در حالی که همین گزارش در مصاحبه با تعدادی از کارگران معدن به بخشی از دلایل اعتیاد کارگران می‌پردازد و می‌نویسد: «او کارگر معدن زغال سنگ است و روزانه ۱۲ ساعت در عمق ۱۲۰ متری زمین کار می‌کند، و در ادامه می‌گوید: «شاید در معدن زغال سنگ از بین ۸۰ کارگر حداقل ۱۵ تن معتاد باشند، شرایط کار سخت و استرس بالا است، مشکلات اقتصادی هم امان همه را بریده و بعضی از کارگران هم برای این که بتواند سرپا بمانند و چند شیفت کار کنند پناه می‌آورند به تریاک و مواد».

این گزارش بدون این که مستقیم به دلایل اعتیاد کارگران اشاره کند که همانا نابه‌سامانی وضعیت اقتصادی جامعه است که بیش از همه اقشار ضعیف جامعه به ویژه مزدبگیران را درگیر مواد مخدر کرده است که در شرایط بسیار سخت کار می‌کنند و نه تنها قربانی اختلاف طبقاتی و دره عمیق بین درآمد و هزینه‌های زندگی کارگريشان هستند، بلکه استرس‌های ناشی از عدم امنیت شغلی و سایر مشکلات شرایط کار آنها را به سمت عملکردهای غلط برای مواجهه با مشکلات شغلی خود می‌کند. این سایت همچنین در بخش دیگری می‌نویسد: